

بازخوانی خاطرات رهبر انقلاب از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی



در آن روزها ما در یک حالت بُهت بودیم. در حالی که در همه‌ی فعالیت‌های آن روزها ما طبعاً داخل بودیم. همان‌طور که می‌دانید ما عضو شورای انقلاب بودیم و یک حضور دائمی تقریباً وجود داشت. لکن یک حالت ناباوری و بهت بسر همه‌ی ما حاکم بود. من یک چیزِ بگویم که شاید شما تعجب نکنید.

من تا مدتی بعد از ۲۲ بهمن هم که گذشته بود به بارها به این فکر می‌افتمد که ما خوابیم یا بیدار. و تلاش می‌کردم که از خواب بیدار شوم. یعنی اگر خواب هستم، این رؤیای طلایی که بعدش لابد اگر آدم بیدار نشود هر چه قدر خواهد بود خیلی ادامه پیدا نکند، این قدر برای ما شگفت‌آور بود مسأله.

سجده‌ی شکر…

آن ساعتی که رادیو برای اول بار گفت صدای انقلاب اسلامی، یک همجی تعبیری. من تو ماشین داشتم از یک کارخانه‌ای می‌آمد طرف مقرّ امام. یک کارخانه‌ای بود که عوامل اخلاص گر فرصت‌طلب آن‌جا جمع شده بودند و شلوغی راه انداخته بودند و در جبهه‌ی انقلاب که هنوز شاید بختیار هم بود، آن روزهای مثلاً شاید مفهّم، هجدهم و مشکلات هنوز در نهایت شدت وجود داشت و هنوز هیچ کار انجام نشده بود این‌ها به فکر باج‌خواهی و باجگیری بودند. توی یک کارخانه‌ای راه افتاده بودند، تحریکات درست کرده بودند و اینها، ما رفتیم آن‌جا که یک مقداری سروسامان بدهیم. در مراجعت بود که رادیو اعلان کرد که صدای انقلاب اسلامی، من ماشین را نگه داشتم آدم پائین روی زمین افتادم و سجده کردم. یعنی این قدر برای ما غیر قابل تصور و غیر قابل باور بود. هر لحظه‌ای از آن لحظات یک مسأله داشت، به طوری که اگر من بخواهم خاطرات ذهنی خودم را در آن مثلاً بیست روز حول و حوش انقلاب بیسان کنم یقیناً نمی‌توانم همه‌ی آن چه را که در ذهن و زندگی آن روز ما می‌گذشت را بیان کنم.

ورود امام!

روز ورود امام البته آن روز ورود ایشان که ما از دانشگاه، می‌دانید که متخصّن بودیم در دانشگاه دیگر، می‌فهمیم خدمت اوم، توی ماشین من یک وقتی خدمت خود امام هم گفتم همین را. همه خوشحال بودند، می‌خندیدند، بنسند از نگرانی بر آنچه که برای امام ممکن است پیش بیاید بی‌اختیار اشک می‌ریختم و نمی‌دانستم که برای امام چی ممکن است پیش بیاید. چون یک تهدیدهایی هم وجود داشت.

بعد رفتیم وارد فرودگاه شدیم، با آن تفصییل امام وارد شدند. به مجرد این که آرامش امام ظاهر شد نگرانی‌ها و اضطراب به سر ما کلی برطرف شد. یعنی امام با آرامش خودش به بنده و شاید به خیلی‌های دیگر که نگران بودند، آرامش بخشیدند.

وقتی که بعد از سال‌های متمادی امام را من زیارت می‌کردم آن‌جا، ناگهان خستگی این چند ساله مثل این‌که از تن آدم خارج می‌شد. احساس می‌شد که همه‌ی آن آرزوها محسم شده در وجود امام و با کمال صلابت و با یک تحقق واقعی و پیروزمندانه این‌جا در مقابل انسان تباور پیدا کرد. وقتی که آمدم وارد شهر شدیم از فرودگاه و با آن تفصییلی که خب همه‌ی شماها شاهد بودید و بحمدالله هنوز در ذهن همه‌ی مردم شاید آن قضایا زنده است، همان‌طور که می‌دانید امام عصری از بهشت زهرا رفتند به یک نقطه‌ی نامعلومی و برادرانمان حالا به طور مشخص، یک اطاق نوری امام را در حقیقت ربودند و به یک مأمنی بردند که از احساسات مردم که می‌خواستند همه انراز احساسات بکنند و امام از شب قبلش که از پاریس حرکت کرده بودند تا دم غروب، تقریباً مداوم غروب دائماً در حال فشار کار و حضور بودند و هیچ یک لحظه استراحت نکرده بودند یک مقداری استراحت بدهند به امام.

امام در مدرسه‌ی رفاه

ما هم پایین بودیم یعنی در آن حال، ما رفته بودیم رفاه. مدرسه‌ی رفاه کارهایمان را انجام می‌دادیم. قبل از

انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام(ره) و با تکیه بر شعار نه شرقی و نه غربی محصول پیروزی رویکرد ساخت درونی قدرت و اتساک به ظرفیت ها و نیروهای داخلی بوده است.

اکنون پس از گذشت ۲۵سال از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ضروری است که تاریخ این انقلاب بزرگ و تاثیر گذار مورد بازخوانی قرار گیرد که در این مقاله پایگاه بصیرت به تحلیل انقلاب اسلامی و استحکام بخشی ساخت درونی قدرت پرداخته است.

تبار تاریخی و معرفتی «استحکام بخشی ساخت درونی قدرت» به قبل از انقلاب اسلامی و در اندیشه‌های امام خمینی(ره) بر می گردد. «استحکام بخشی ساخت درونی

قدرت» در قبل از پیروزی انقلاب به خواست ملی و عمومی تبدیل شد و ملت ایران جهت دستیابی و تحقق آن، انقلاب بزرگی را آفریدند. در واقع اتکاء به درون، عزت ملی و استقلال در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی- دفاعی بر مبنای مکتب اسلام و هویت ملی یکی از اصلی ترین اهداف مردم در مبارزه با رژیم وابسته پهلوی بوده است. این تفکر مبارزاتی در حالی شکل گرفت که حتی در بین نیروهای مخالف رژیم پهلوی هم مبارزه و انقلاب بدون اتکا به قدرت های بیرونی و بهره‌گیری از مدل های شرقی یا غربی برای تغییر، ناممکن به حساب می آمد. اما انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام(ره) و با تکیه بر شعار نه شرقی و نه غربی محصول پیروزی رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت ها و نیروهای داخلی بوده است. لذا قبل و بعد از پیروزی انقلاب شاهد دو نوع رویکرد به ساخت قدرت بودیم که عبارت‌تند از:۱- رویکرد ساخت بیرونی قدرت ۲- رویکرد ساخت درونی قدرت. در این نوشته در قالب سرفصل‌ها، به برخی از دلایل طرفداران هر یک از این رویکردها، نقش انقاب اسلامی در ظهور و بروز ایده استحکام بخشی ساخت درونی قدرت و عوامل الزامات آن در دهه چهارم انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

الف) رویکرد ساخت بیرونی قدرت

۱. مبانی رویکرد به ساخت بیرونی قدرت

۱-۱. غلباتبخ ایزاری

۱-۲. وجود «وابستگی متقابل» در روابط بین الملل و گریزناپذیر بودن از آن

۱-۳. پذیرش پروژه جهانی‌سازی و هضم شدن در هژمون آن

۱-۴. اجتناب ناپذیر تلقی کردن قواعد جهانی و خدشه‌ناپذیر بودن هنجارهای نظام بین‌الملل

۱-۵. مروجوب بودن به پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورهای غربی

۱-۶. پذیرش وجود فاصله غیر قابل جبران با کشورهای غربی

۱-۷. تلقی مقدور نبودن هنجارهای کشور در عصر جهانی شدن و بدیهی بودن وابستگی به سایر کشورها

۱-۸. برتر دانستن توان علمی و هویت فرهنگی کشورهای غربی و اجتناب ناپذیر تلقی کردن دنبال روی از آنها

۲. پیامدهای رویکرد به سات بیرونی قدرت

۲-۱. در حوزه مناسبات و روابط بین‌الملل (به طور کلی و به طور خاص) در این عصر، برای ساخت قدرت در تقویت قدرت درونی پیامدهای زیادی خواهد داشت که ما برای رعایت اختصار به چند مورد از مهم ترین‌ها اشاره و تشریح بیشتر

را به عهده هادیان عزیز می‌گذاریم. به عنوان مثال برخی از پیامدهای مثبت این رویکرد برای ساخت قدرت در حوزه مناسبات بین‌المللی عبارتند از:دنباله‌روی و تضعیف استقلال واقعی، خنثی شدن نقش تعیین‌کننده بازیگری در معادلات



قدرت، بی‌معنا شدن صدور انقلاب و ارزش‌های ضدسلطه، تبعیت از هژمون نظام سلطه و پرهیز از هر نوع تنش در ساختارهای این نظام و …) ۲-۲. در حوزه اقتصادی(اسب‌پذیری شدید اقتصادی، به خطر افتادن ظرفیت‌ها و توانمندی های داخلی در منابع قدرت، عدم خروج از وابستگی اقتصادی و …)

۲-۳. در حوزه فرهنگی(تضعیف هویت فرهنگی، زوال روحیه و اعتماد به نفس ملی، تعمیق فرهنگ غیر بومی و تضعیف فرهنگ ملی،اسب‌پذیر شدن فرهنگ و تشدید تبعیضات فرهنگی بیگانه و …) ۲-۴. در حوزه علم و فناوری(توقف نهضت تولید علمی در کشور، افزایش پدیده فرار مغزها و نخبگان، تداوم وابستگی در بخش های علمی و تکنولوژیک، بی‌اعتمادی به ظرفیت های فکری و علمی داخلی و اتکاء به بیرون و …)

۴. مصادیق عدم موفقیت با در رویکرد در این خصوص نگاهی به وضعیت کشورهایی که با

سیاسی

Siyasi @kayhan.ir



۲.بازگشت به هویت اسلامی و ایرانی و ضرورت استکبارستیزی و مقاومت مغایر با پذیرش سلطه و هژمونی قدرت ها

۳. اثبات کارایی تفکر متکی به ساخت درونی قدرت ۴. الهام بخشی به دیگران مبنی بر مقدور بودن اتکا به خود و عبور از ایده اتکا به قدرت بیرونی ۵. تکرار و تعمیم مدل اتکا به درون در عرصه ها و حوزه های مختلف و تثبیت آن(مقابله با بحران های امنیتی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، پیشرفت علم و فناوری) ۶. ارائه مدل عملیاتی استحکام بخشی به ساخت درونی قدرت در قالب مدیریت جهادی ۷. مرکزیت بخشی و تبدیل شدن ارزش‌های انقلاب

انقلاب اسلامی و استحکام بخشی ساخت درونی قدرت



این رویکرد دست به توسعه و ساخت و تقویت قدرت درونی زده‌اند، نشان می‌دهد که اگرچه برخی از آن‌ها در گام های ابتدای توانستند بین خود و دیگر کشورهای منطقه پیرامون فاصله ایجاد نمایند و به ظاهر برخی از مظاهر تمدنی دنیای جدید را در حوزه هایی چون ساخت خودرو، ورود در دنیای الکترونیک و … کسب نمایند اما پس از سپری شدن سال‌ها معلوم شد که اولاً این کشورها تن‌ها در یک یا دو حوزه تقویت شده، از پیشرفت همه جانبه جان ماندند، ثانیاً همین پیشرفت نیز با اتکا به استعدادهای درونی و بومی نبود. مصر، مالزی، ترکیه، عربستان و … از مصادیق توسعه و پیشرفت با چنین رویکردی به ساخت قدرت محسوب می‌شوند که امروزه با مشکلاتی دست به گریبان هستند. حسنی مبارک پس از

۴۰سال در خدمت غرب و آمریکا بودن، تن‌ها هیچ توفیقی در توسعه کشورش و ساخت قدرت درونی نداشت، بلکه بدون ذره‌ای کمک از سوی آمریکا سقوط کرد. ماهاتیر محمد که از او به عنوان عامل دگرگونی و توسعه کشور مالزی و از اقتصاد کشورش روزگاری تحت عنوان ببر اقتصادی منطقه نام برده می‌شد و خیلی‌ها الگوی به کار گرفته شده از سوی وی را برای توسعه در داخل توصیه می‌کنند، خود در مقطعی با ظاهر شدن پیامدهای اقتصاد وابسته در باره فروقایی بودن الگوی توسعه بیرونی، گفته بود: بعد از بحران های اقتصادی معلوم شد که ما برهاری کاغذی بودیم نه برهاری اقتصادی.

ب) دلایل رویکرد به ساخت درونی قدرت

اتکا به داخل و نیروی های خودی برای توسعه و ساخت قدرت درونی از خواسته های دینی ماست که به وفور می توان برای آن از آیات و روایات استناد کرد. آياتی نظیر آیه مبارکه نفي هر گونه سبيل و طريقي برای سلطه کفار بر مسلمانان، آیه «وعدولهم باسئطعنم من قوه و من رباط الخيل» و روایاتی چون عزت مومنی در بی‌نیازی از دیگران است، ملتی که در تامين مایحتاج اولیه خود وابسته نباشد، طعم استقلال و عزت را نخواهد چشید و… در راستای ساخت درونی قدرت و کاهش از وابستگی به بیرون بسیار پرکاربرد هستند.

۱- مغایرت وابستگی با استقلال و عزت ملی ۲-وجود نظام سلطه و سلطه جویی و استثمارگری قدرت های غربی ۳-اعتماد به کفایت و کارایی نیروها و ظرفیت های داخلی ۴-نگاه به تجربه عواقب وابستگی سایر کشورها به غرب ۵-نگاه به تجارب موفق کشورهای متکی به فرهنگ و ظرفیت های داخلی ۶-ضرورت ایجاد توان کنش و واکنش مقتدرانه در برابر فشارهای دولت های قدرت محور ۷-حفظ رستیز و توان الهام بخشی به سایر ملت ها و دستیابی به هدف بلند ملای ساری بویژه در بین کشورها و ملت های پرخوراد با سابقه تمدنی ۸-ضرورت توازن قوا و تداوم توسعه قدرت به نفع نظام

با استناد و استعمار، استکبارستیزی و روحیه شهادت طلبی) الگوسازی انقلاب اسلامی ۷-تجربه به بی‌نست رسیدن الگوی غرب و در سراسییبی فروپاشی قرار گرفتن قدرت‌های لیبرالی

ه) آثار و نتایج استحکام بخشی ساخت درونی قدرت ۱. افزایش قدرت ملی و توان چانه زنی در دیپلماسی و ایفای نقش تعیین کننده در تحولات منطقه ای و جهانی ۲.افزایش مقاومت در برابر هر نوع فشار و باج خواهی بیرونی ۳. توسعه و پیشرفت ۴. ضمانت بخشی به روند رشد و پیشرفت کشور با اتکا به منابع و ظرفیت های داخلی ۵. حل مسائل اساسی و مشکلات پیش روی کشور ۶.تبدیل جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای دیگر ملتها ۷.حفظ استقلال و عزت ملی

و) موانع موجود بر سر راه استحکام بخشی ساخت درونی قدرت ۱. وجود پاره ای غفلت ها ۲. استمرار خودباختگی به غرب و تفرکات برون نگر ۳. کاهش روحیه انقلابی و جهادی ۴. دشمنی و فشارهای بین‌المللی ۵. ضعف پیش و بصیرت ۶.روحیه اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی ۷.عوامل و الزامات درون‌زایی قدرت ۸.عوامل هنجاری

اما در نگاهی جدید وارد عرصه شده است؛ تا راه رسیدن استکبار به اهداف خود را هموار سازد.

آنان که در این دام گرفتار شده‌اند نه دین را شناخته‌اند و نه ولایت فقیه را. در نگاه اسلام کسی که بر رأس هر قدرت جای دارد، باید کوچکترین تقصیری نداشته باشد، نه از نظر علم به قانون

و مبانی آن و نه به لحاظ شناخت موضوعات و مصادیق و آگاهی به مصالح مردم و نه از نظر تقوی و ورع و عدالت، و به تعبیر دیگر حاکم اسلامی باید حد اعلاّی فقاّهت، حد اعلاّی شناخت زمان و اوضاع و احوال موجود و مفاصل خاص و جزئی و مقطعی و حد اعلاّی تقوی و ورع و عدالت را واجد باشد.

در عصر غیبت کبری، فقهایی جامع‌الشرایط بر مسند حکومت می‌نشینند تا افراد جامعه اطمینان پیدا کنند که حقوقشان ضایع نمی‌شود و مال و جان و آبروشان دستخوش تعدی و تجاوز واقع نمی‌گردد.

این مطلب از مستقالات عقلیه است و در آن جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد.

ایسن افسران نیز با آنان و اجازه خداوند بزرگ که آگاه به همه مصالح و مفاسد اجتماع است، به عنوان حاکم منصوب می‌شوند.

براساس دیدگاه عقیدتی شیعه حاکمیت از آن خدا است و از شئون ربوبیت الهی است. هیچ‌کس حق حکومت بر انسانی را ندارد، مگر آنکه خدا به او اجازه دهد.

ولی فقیه هم منصوب با واسطه است و فقیه از طرف خدا

اجازه شده دارد.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «حاکمی که منصوب عام از طرف

معصوم است، اطاعتش واجب است و اگر کسی حکم او را نپذیرد، معصوم آنست که حاکمیت معصوم را نپذیرفته است.»^(۱)

صفحه ۸
شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۲
۸ ربیع الثانی۱۴۳۵ - شماره ۲۰۷۰۷

دیپلماسی لبخند و شهادت دیپلمات‌ها

حملات تروریستی علیه سفارت کشورمان در لبنان و دیپلمات‌های ایرانی در یمن که طی یک ماه گذشته و در بازه زمانی کوتاهی به وقوع پیوست است، می‌تواند پیش درآمد حملات مشابه علیه منافع جمهوری اسلامی ایران در کشورهای ناامن عربی طی ماه‌های آینده باشد. این خطر از آن جهت باید جدی گرفته شود که اولا ظهور شاه‌خاه‌های القاعده در یکی دوسال اخیر در منطقه حالت قارچ گونه داشته و ثانیاً، پیوستگی عملیات تروریستی علیه منافع جمهوری اسلامی در منطقه نشان می‌دهد که القاعده از حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی چند کشور عربی بهره برده است.

اکنون هم کشورهایی که مقابل جبهه مقاومت ضد اسرائیلی ایستاده‌اند، به همراه آمریکا و رژیم صهیونیستی که دشمن طبیعی ایران اسلامی محسوب می‌شوند، به قدر کافی انگیزه دارند تا از طریق حمله به سفارت‌خانه ها و دیپلمات‌های کشورمان عقده گشایی کنند.

لذا، بانوجه به شرایط حساس جاری، نباید دست روی دست گذاشت و شاهد تکرار وقایع ناگوار ترور دیپلمات ها بود و تن‌ها پس از واقعه به فکر علاج افتاد که نوعا راه به جایی هم نمی‌برد، چون تروریست ها معمولا سرنخ و رد پای از خود بر جای نمی‌گذارند.

به نظر می‌رسد رعایت نکردن اصول امنیتی و نداشتن دقت عمل دیپلمات‌های کشورمان در منطقه خاورمیانه می‌تواند از جمله عوامل اتفاقات ناگوار اخیر باشد و نفوذ عوامل تروریست در سفارت‌خانه ها نیز حاصل همین بی دقتی هاست. این نکته را می‌توان از گزارش وزارت خارجه کشورمان در مورد عملیات تروریستی لبنان دریافت؛ این گزارش از دستگیری «جمال» دختردار سفارت ایران در بیروت خبر داده و نقش این عامل نفوذی را در انفجار مقابل سفارت ایران اشکار کرده است.

در هر صورت دولت یازدهم که به نظر کارشناسان، حداکثر ظرفیت خود را به حوزه سیاست خارجی اختصاص داده و دیپلماسی لبخند را در پیش گرفته است، باید راهکارهایی را برای حفظ جان شهروندان ایرانی به خصوص دیپلمات ها در نظر بگیرد.

آن‌جساکه برخی کشورها توانایی تامین امنیت دیپلمات‌های ایرانی را ندارند، لازم است وزارت خارجه اقدامات لازم را به فوریت انجام داده و حفظ جان دیپلمات‌ها را در اولویت قرار دهد. وقتی کشوری نمی‌تواند امنیت دیپلمات ها را تامین کند، وزارت امور خارجه نیز باید در اعزام دیپلمات، کاردار و یا رازین فرهنگی به این مناطق تمهیداتی را اتخاذ کند.

هرچند پیگیری‌های وزارت خارجه پس از وقوع حملات تروریستی مذکور قابل تقدیر است، ولی مسئولان وزارت خارجه باید پاسخگو باشند واین را بدانند که هر لحظه غفلت از تکفیری ها، ممکن است منجر به فاجعه دیگری شود.

درست است که لبخند و تعامل بخشی از هنر سیاست خارجی است اما حفظ منافع جمهوری اسلامی و تامین امنیت شهروندان ایرانی به خصوص دیپلمات ها به نظر عرصه مهم تری برای هنرنامهی دستگاه دیپلماسی است که در این مورد خاص، برخورد قاطعانه با دولت‌هایی که این اتفاقات را محفل جغرافیای آن‌ها روی داده، اجتناب ناپذیر است. به هر حال پیگیری موضوع شهادت دیپلمات‌های ایرانی در مجامع بین‌المللی از جمله اقداماتی است که دولت باید درمسند انجام آن باشد.

دستگاه دیپلماسی ما به همان اندازه که بحق در خصوص بهبود مناسبات و تقویت روابط در سطح منطقه‌ای ازخود اشتیاق نشان می‌دهد، در مقابل باید با هرگونه تعرض نسبت به منافع کشورمان در خارج قاطعانه برخورد کند.

امیر خدادادهمدانی

۱-۱. افزایش ایمان و باورهای اعتقادی و روحیه ملی ۱-۲. تقویت سرمایه‌های قابل تقدیر است، ولی مسئولین ۱-۳. تقویت اتحاد و وحدت اجتماعی داخلی و هماهنگی بین قوا ۱-۴. کاربست عقل و درایت توأم با معنویت و توکل ۱-۵. ولایت مداری و تنظیم رفتارها و تصمیمات بر

محور ولایت

۱-۶. دیباور و کاربست مدیریت جهادی در همه عرصه ها ۱-۷. هدایت و جهت‌دهی فرهنگ عمومی به سمت قدرت و پیشرفت درون‌زا ۲. عوامل نهادی ۲-۱. رهبری ۲-۲. مردم ۲-۳. دولت ۲-۴. پشتیبانی اقتصادی که بتواند مردم را در راحتی نگه دارد.

۲-۵. اهتمام به اقتصاد مقاومتی ۲-۶. افزایش بنیه دفاعی و توان بازاندازی دفاعی کشور ۲-۷. اولویت بخشی به ظرفیت ها و منابع داخلی ۲-۸. بهره گیری مدبرانه و بهینه از فرصت ها و امکانات بیرونی در چارچوب مصالح نظام و منافع ملی ۲-۹. اجماع سازی در بین نخبگان و جامعه و نسبت به الگوی قدرت و پیشرفت درون‌زا

در زمان غیبت که فقیه از طرف معصوم(ع) برای حاکمیت بر مردم نصب شده، اطاعت و عدم اطاعت از فقیه به معنای پذیرش و یا رد خود معصوم(ع) است.

اختیارات ولی فقیه نیز همان اختیارات حکومتی معصوم است. ولایت مطلقه فقیه همان اختیارات معصوم است. این اختیارات را به ولی فقیه داده‌اند تا جامعه را درست اداره کند و او را به این امر مهم گماشته‌اند؛ تا مردم با اطمینان کامل از او پیروی و تبعیت نمایند.

مسایل رهبری را روان بشر سر و کار دارد. جلب همکاری روان‌ها و به حرکت درآوردن آنها به سوی هدفی مقدس و عالی، مهارت و ظرافت فوق‌العاده می‌خواهد، کار هر کس نیست.

امروز پس از پیشرفت‌های حیرت‌انگیز روانشناسی و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، هنگامی که سیره رهبری اولیاء الهی را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم بر دقیق‌ترین ملاحظات روانی و فکری دقت علمی رهبری مربوط به انسانیت است و به همین علت تا اعماق دلهای مردم نفوذ می‌کرده.

نمود امام خمینی(ره) را بر دلهای مردم ایران به تماشا بگیرید.

عمق نفوذ امام خمینی رهبری بر دل مسلمانان دنیا را مشاهده کنید. در کمای دقت علمی ارتباطی بین مردم و حاکم وجود ندارد.

دشمنان از همین نفوذ می‌ترسند و به همین دلیل می‌خواهند ولایت فقیه را کنار بگذارند، و سالها طراحی کردند تا ریشه ولایت فقیه را بزنند.

تا به امروز دشمن به این آرزو نرسیده‌است. بیداری و هوشیاری و بصیرت ملت ایران و مسلمانان سراسر جهان از این به بعد هم اجازه خدشه‌دار شدن اصل ولایت فقیه را به هیچ کس نمی‌دهد.

ولایت فقیه ماندنی است و هر کس با این اصل مهم اسلامی به سیزتر برخورد ریشه خود را زده است.

پاورقی:

۱- اصول کافی، ج۱، ص۶۷